

## نجات از هم و غم



از فواید شناخت انسان این است که به ضعف خود پی می‌برد و از عظمت و غنای خدا آگاه می‌شود و خود را مؤثر نمی‌بیند و امور جهان، انسان و پیوند عالم و آدم را در دست خالق و پروردگار خویش می‌بیند، از این‌رو در عین اشتغال به انجام وظیفه از هم و غم دنیا آزاد می‌شود....

از فواید شناخت انسان این است که به ضعف خود پی می‌برد و از عظمت و غنای خدا آگاه می‌شود و خود را مؤثر نمی‌بیند و امور جهان، انسان و پیوند عالم و آدم را در دست خالق و پروردگار خویش می‌بیند، از این‌رو در عین اشتغال به انجام وظیفه از هم و غم دنیا آزاد می‌شود.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند: «تفرّغوا من هموم الدنيا ما استطعتم»<sup>(1)</sup>؛ تا می‌توانید از غصّه نجات یابید. چه خوب است که انسان غمگین نباشد و همیشه فرحناک باشد؛ اما چگونه می‌توان به چنین آرمانی باریافت؟

در این باره فرمود: «من أصبح وأمسي و الاخرة أكبر همّ، جعل الله الغنا في قلبه و جمع له أمره و لم يخرج من الدنيا حتي يستكمل رزقه و من أصبح وأمسي و الدنيا أكبر همّ، جعل الله الفقر بين عينيه و شتت عليه أمره و لم ينل من الدنيا إلا ما قسم له»<sup>(2)</sup>؛ هر که فقط هم و غم و تلاش و کوشش خویش را بر تأمین دنیای خود قرار دهد، خداوند او را با شکست و نابسامانی مواجه می‌سازد و فقر و فلاکت را برابر چشم‌پوشش قرار می‌دهد و انسانی که ضمن کوشش برای دنیا، بیشترین هم و تلاش او آخرت است، خداوند امور وی را جمع کرده و مانع از نابسامانی آن خواهد شد و در قلب او بی‌نیازی از خلق را قرار می‌دهد.

خلائق، عائله خدایند که همه آنها را تأمین می‌کند، هیچ جنبنده‌ای نیست که خدا روزی او را تأمین نکند و نیازهای او را فراموش کند: (وما من دابة في الأرض إلا على الله رزقها)<sup>(3)</sup>؛ ولی بشر عادی چون ادعای استقلال دارد و تأمین روزی خود و عیال خویش را برعهده خود می‌داند، همیشه در زحمت است، حال آنکه همه حیوانات دریایی و صحرائی بر سر سفره خدایند، چنان که انسان نیز چنین است.

البته باید تلاش خود را کرد و کوتاهی نکرد؛ اما تأمین بر عهده خداست. در بیانی لطیف، معصوم (علیه السلام) به یکی از شاگردانش می‌فرماید: «اگر من به شما بگویم درس و بحثان را ادامه دهید و کارتان را بکنید و تأمین هزینه شما بر عهده من، آیا آرام می‌شوید؟ عرض کرد: آری، پسر رسول خدا! وقتی امام معصوم به من بگوید «تو کارت را انجام بده، تأمین هزینه‌ات بر عهده من» حتماً آرام می‌شوم».

داریایی ما از ذات اقدس الهی است و همو چنین وعده داده است، پس چرا آرام نمی‌شویم! انسان وزر مالی را به دوش می‌کشد که برای فرزند خود به جا می‌گذارد؛ اما پس از مرگ دیگر به یاد فرزند نیست. انسان در بهشت هم به یاد ندارد که فرزندی داشته است. از امام صادق (علیه السلام) می‌پرسند که به فرموده خدا مؤمنان صالح بهشتی غم و غصّه ندارند، پس افرادی مانند نوح (علیه السلام) که فرزندان در دوزخ می‌سوزد، چگونه عذاب فرزند را تحمل می‌کنند و خود در بهشت آرامش دارند. آن حضرت پاسخ فرمود که چرا آخرت را با دنیا قیاس می‌کنید؛ در بهشت، هیچ مؤمنی به یادش نیست که فرزند طالحی داشته است، لذا هیچ رنجی نمی‌برد، چون پس از مرگ همگان دوباره از خاک برمی‌خیزند و دیگر رابطه پدر و فرزندی نیست.<sup>(4)</sup>

در قیامت، انسانها فقط با اندیشه‌ها، افکار، علوم، عقول و اعمالشان محشور می‌شوند و کسی با کسی مأنوس نیست؛ یعنی تنها و خاضع محض هستند: (وَكُلُّ آتَوْهُ دَخِرِينَ)<sup>(5)</sup>؛ (وَكُلُّهُمْ آتَانِيه يَوْمَ الْقِيَمَةِ قَرْدًا).<sup>(6)</sup> در آنجا دیگر زندگی جمعی نیست. وجود مبارک امیرمؤمنان (علیه السلام) در یکی از خطبه‌ها فرمود که اموات در قبرستان باهم هستند؛ ولی هر يك بر سر سفره خویش نشسته است.<sup>(7)</sup>

با این وصف، چه جهلی بدتر از اینکه انسان همه سرمایه خود را هدر دهد؟ این از آن روست که انسان خود را نشناخته است، لذا شیطان به جای او می‌نشیند و او را به خود معکوس و بدلی معرفی می‌کند و انسان فریب خورده نیز باور می‌کند: (يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ).<sup>(8)</sup>

نتیجه آنکه باید این دستور را که «از غصّه رهایی یابید» مغتنم شمرد و راه ارائه شده را پیمود. اگر کسی روز خود را با وضع غمبار شروع کند و به پایان برسد و همه تلاش او معطوف به دنیا باشد، ذات اقدس الهی امور او را پراکنده می‌کند و او هرچه می‌کوشد نمی‌تواند امور زندگی خویش را جمع کند و خدای لایزال، تابلویی از فقر را در برابر چشمش او نصب می‌کند و او هر جا می‌رود، با آن مواجه است و چاره‌ای جز به سر بردن با فقر فرهنگی ندارد؛ ولی هر که همّتش را آخرت خود قرار دهد و آباد کردن دنیایش را از سر وظیفه به عهده گیرد و در تأمین روزی خود و عیالش خود را مستقل نداند، خداوند عمر او را برکت می‌دهد و کارهای وی را سامان می‌بخشد و توانگری و غنا را در دل او نهادینه می‌کند. چنین انسانی همیشه آرام است و از هم و غم دنیا رهایی می‌یابد و در کمال آرامش شئون زندگی را اداره می‌کند و این همان «تفرّغوا من هموم الدنيا ما استطعتم»<sup>(9)</sup> است و چنین رهایی مبارکی، ثمره میمون تفسیر انسان به انسان در دانش علمی و بینش شهودی و نیز تطبیق اغراض و غرایز بر گرایش فطری است.

1. ارشاد القلوب، ج 1، ص 54؛ بحار الأنوار، ج 74، ص 166.

2. بحار الأنوار، ج 100، ص 29؛ تحف العقول، ص 48.

3. سوره هود، آیه 6.

4. ر.ک: الاحتجاج، ج 2، ص 249 - 248؛ تفسیر نور الثقلین، ج 5، ص 484.

5. سوره نمل، آیه 87.

6. سوره مریم، آیه 95.

7. ر.ک: نهج البلاغه، خطبه 226.

8. سوره همزه، آیه 3.

9. ارشاد القلوب، ج 1، ص 54؛ بحار الأنوار، ج 74، ص 166.

تفسیر انسان به انسان، ص 381-384.